

بازکاوی اهمیت نقش مادر در تربیت دینی دختران

محمد مهدی کریمی نیا^۱، زهرا چایش^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ سطح سه (کارشناسی ارشد) حوزه علمیه خواهران، پژوهشگر و مدرّس مدرسه علمیه فاطمه الزهرا (س) شهر دالاهو، استان کرمانشاه

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

اسلام مملو از مقولاتی در زمینه مقام و جایگاه والدین در خانواده است. یکی از موضوعاتی که در جوامع امروزی والدین بخصوص مادر باید به آن توجه بسیاری داشته باشد تربیت دینی دختران است. بی تردید نقش دختران هم در خانواده و هم در اجتماع بسیار مهم است. آنان در آینده به عنوان همسر وظایفی را بر عهده دارند و به عنوان مادر نیز عهده دار تربیت نسل بعدی هستند اگر دختری به روش اسلامی تربیت شد می تواند خوشبختی و سعادت را هم برای همسر و هم در نسل آینده ضمانت کند. ضرورت ایجاب می کند بنا بر این وظیفه ی خطیری که در آینده بر عهده دختران است باید مادر که بیشترین سهم در تربیت فرزند را بر عهده دارد به گونه ای خاص برای تربیت دینی دختران تلاش کند تا آنان را به اهداف اسلامی نزدیک تر کند. در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است، به شناخت اهمیت نقش مادر در تربیت دینی دختران که به روند رشد و تعالی آنها کمک می کند، می باشد. یافته های مقاله حاکی از آن می باشد مادر به عنوان اساسی ترین عامل تربیت، می تواند با بهره گیری از دستورات قرآن و روایات و همچنین عملیاتی کردن آنها در همه مراحل زندگی، دخترانی با تربیت دینی که در آینده در جایگاه همسری و مادری نقش بسزایی را دارند، تربیت کنند.

واژه های کلیدی: تربیت، تربیت دینی، دختر، مادر، قرآن کریم.

مقدمه

انسان، تنها موجودی است که می تواند قدرت و ابتکار آفرینشی خداوند را آشکار سازد. خداوند قابلیت های خود مانند نباتات، حیوانات را در اختیار انسان قرار داده است و استعداد های بسیاری بدو ارزانی داشته تا با اراده و انتخاب خود راه تکامل و سعادت که جز قرب الهی نیست طی کند. اما انسان در این حرکت در نهادش امیالی قرار دارد که او را از این سیر معنوی باز می دارد. و نفس اماره که همواره او را به سمت و سوی بدی می کشاند. همانگونه که خداوند نیز در آیات قرآن فرموده اند: «وَمَا أَكْبَرُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و من (خودستایی نکرده و) نفس خویش را از عیب و تقصیر میرا نمی دانم، زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و می دارد جز آنکه خدای من رحم کند، که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است».^۱

همان گونه که ذکر شده هدف از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است. از این رو، تعلیم و تربیت از مهم ترین مسائل زندگی فردی است تا بتواند از این طریق زمینه رشد و تکامل در او فراهم شود. در اسلام که اکمال کننده دیگر ادیان است بهترین دستورالعمل ها برای تربیت دینی آورده شده است. تربیت فرزندان خصوصا فرزندان دختر که در آینده جایگاه خواهری، همسری، مادری دارند نیز حائز اهمیت است. در بسیاری از آیات و روایات و همچنین سیره امامان معصوم شیوه های تربیت عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی دختران به روشنی ذکر شده و برای هر کدام نیز راهکاری ارائه دادند.

پیشینه موضوع

محمد جواد فروتن در مقاله ی خود تحت عنوان "نقش و جایگاه مادر در تربیت فرزندان" به این نتیجه رسیده که فرزندان در محیط آرام و مناسبی که در خانواده حکم فرما هست از لحاظ عاطفی و روانی سالم تر هستند. مادر نیز با مهر و محبت اگر با فرزندان رفتار کند فرزندان دچار عقده های روحی و روانی نمی شوند و در آینده فردی متعادل و با روحیات و خلیات مناسب وارد جامعه می شوند. مادر، از دیدگاه اسلام، جایگاه برتری در خانواده و اجتماع دارد. نقش او در تربیت دینی فرزند بعثت تاثیر پذیر فرزند بدو بسیار مهم و سرنوشت ساز است. از این رو، در این مقاله پس از تبیین مفاهیم و مقدمات، نخست جایگاه مادر و فرزند، تربیت دینی فرزندان، ارزش دختر و در آر هم تربیت دینی دختران و سپس نقش وی در تربیت دینی دختران بررسی می شود.

مفاهیم شناسی

تربیت

لغوی: پروردن، پروراندن. آداب و اخلاق را به کسی آموختن. پرورش. پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن.^۳

یوسف: ۵۳.

معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۴۴۳.

عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۳۵.

واژه «تربیت»، مصدر باب تفعیل، از ریشه «ربو» و در لغت به معنای رشد، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آمده است. ابن منظور می گوید: «تربیت، از «ربو» به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگه داری است».^۴ راغب اصفهانی، تربیت را «تغییر تدریجی امری می داند، به گونه ای که آن چیز به حد تمام برسد».^۵ ابن فارس نیز معتقد است: «اقدام بر اصلاح چیزی را تربیت می گویند».^۶

اصطلاحی

تربیت در اصطلاح دینی: به معنای پرورش دادن استعدادهای درونی ای که بالقوه در یک شیء موجود است، می باشد؛ یعنی آن توانایی های بالقوه را به فعلیت برساند.^۷ در تعریفی دیگر می خوانیم: پرورش استعدادهای مادی و معنوی و راهبرد آن به سوی فضائلی که خداوند در نهاد آدمی قرار داده است.^۸

در قرآن کریم نیز تنها دو مورد در تربیت انسان بکار رفته است. یکی از فعل ماضی استفاده شده: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا، چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی (به مهربانی) پروردند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما».^۹ و دیگری فعل جحد: «قَالَ أَلَمْ نَرْبِكْ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ» فرعون گفت: تو نه آن کودکی که ما پروردیم و سالها عمرت در نزد ما گذشت؟^{۱۰} در این دو آیه معنا به صورت مطلق بکار رفته و همه ی جنبه های آدمی اعم از جسمی و معنوی را بیان کرده است.

امام علی علیه السلام نیز در ستودن انصار فرمودند: «هُمْ وَاللَّهِ رَبُّوْا الْإِسْلَامَ كَمَا يُرَبِّي الْفُلُوءُ...» به خدا سوگند، اینان اسلام را پرورش دادند، انسان، که کره اسب از شیر باز گرفته را پرورش دهند».^{۱۱} در این روایت، تربیت به معنای مطلق پرورش دادن اعم از پرورش مادی و معنوی به کار رفته است. درباره پرورش اسلام، تربیت معنوی و درباره پرورش کره اسب، پرورش مادی و جسمی، مراد است؛ یعنی یاران پیامبر کسانی بودند که با تلاش و جهاد و مبارزه خود، زمینه رشد و پیشرفت اسلام را فراهم ساختند.

این منظور، لسان العرب، ماده ربو، ص ۳۰۵

محمد الراغب، المفردات فی غرایب القرآن، «ماده رب»، ص ۱۸۴

احمد ابن فارس، معجم مقائیس اللغة، «ماده رب»، ص ۶

مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۶

صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۱

اسراء: ۲۴

شعرا: ۱۸

نهج البلاغه، حکمت ۴۶۵

با توجه به مطالب ذکر شده تربیت دینی مجموعه عملکردهایی برای آماده سازی زمینه های رشد جسمی و روحی که به سبب اراده و اختیار شخص در مسیر تکامل مادی و معنوی و رسیدن به هدف تقرب الهی ست صورت گرفته است.

جایگاه مادر

اسلام نسبت به دیگر ادیان الهی برای مقام مادر ارزشی بسیار عظیم قائل است و حقوقی که اسلام برای مادران در نظر گرفته است بسیار بیشتر از حقوق پدران است. مادر در اسلام بعنوان پرورش دهنده جامعه شناخته شده است. اوست که می تواند جامعه را به سوی سعادت یا بدبختی هدایت کند. از این رو به بررسی جایگاه مادر را در قرآن و احادیث خواهیم پرداخت:

جایگاه مادر در قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم مقام مادر را ستوده و از او به عظمت یاد کرده است. و این جایگاه را می توان در وحی مستقیم خدا به مادر موسی علیه السلام، محبت همراه با احترامی که حضرت عیسی به مریم داشته، احسان و نیکی به پدر و مادر و ... مشاهده کرد.

خداوند در چند آیه از سور قرآن در مورد نیکی به پدر و مادر سفارش کرده است اما در سوره احقاف علاوه بر نیکی به پدر و مادر به رنج های مادر نیز اشاره شده است که این خود دلیلی بر جایگاه با عظمت مادر است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً...» و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر خود سفارش کردیم، که مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که طفل به حد رشد رسید و آدمی چهل ساله گشت...»^{۱۲}

در سوره لقمان نیز به این مهم اشاره شده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و ما در خود نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانیش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود».^{۱۳}

در این آیه و آیه قبل در ابتدا نیکی به والدین عنوان شده است و بعد از آن دوران بارداری و مشکلات پس از آن بیان شده است.^{۱۴}

همچنین می توان به این نکته اشاره کرد که خداوند در آیات مربوط به احسان پدر و مادر ابتدا به نیکی کردن والدین دستور داده سپس بدون بیان زحمات پدر، مشکلات و ناراحتی های مادر را بیان کرده است.^{۱۵} لچنین برداشت می شود که لزوم نیکی به والدین عامل اصلی آن مادر است. در نتیجه می توان صبر و شکیبایی مادر در برابر مشکلات دوران بارداری، شیردهی و تربیت فرزند را عامل اصلی احسان به والدین دانست.

احقاف: ۲۵!

لقمان: ۲۴!

قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۴۵۰!

همان، ج ۹، ص ۳۵!

همچنین به جایگاه مادر حتی بعد از طلاق نیز اشاره شده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...» و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند، ...».^{۱۶}

جایگاه مادر در روایات و احادیث

در روایات و احادیث بسیار از جایگاه مادر سخن شده است. حدیث معروف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که درباره جایگاه مادر فرمودند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت، زیر پای مادران است».^{۱۸} با توجه به حدیث نبوی در صورتی که مادر از فرزند خشنود نباشد، فرزند از بهشت و نعمات بهشتی محروم می ماند و برای رسیدن به بهشت برین باید احترام مادر خود را داشته باشد و به او خدمت کند و این پاداش صبر و تحمل مادر در دوران بارداری و پس از آن از جانب خداوند برای مادر است.^{۱۹}

امام صادق از پیامبر نقل کردند: «مردی به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله! به کدام یک از اقوام خود نیکی کنم؟ حضرت فرمود: به مادرت. دوباره پرسید: بعد از آن؟ حضرت فرمود: به مادرت. برای مرتبه سوم پرسشش را تکرار کرد. پیامبر فرمود: به مادرت. جوان برای بار چهارم پرسید: پس از آن به چه کسی نیکی کنم؟ پیامبر خدا فرمود: به پدرت!^{۲۰}

جایگاه مادر در این روایات از پیامبر کاملاً مشخص است که پیامبر سه بار نیکی به مادر را فرمان داده سپس برای بار چهارم احسان به پدر سفارش کرده است. و این خود دلیلی بر عظمت جایگاه مادر است. یکی دیگر از بزرگی مقام مادر که در سیره پیامبر مشاهده شده است احترام او به مادرش آینه است. او حتی در اواخر عمر خود در سن ۶۳ سالگی به زیارت مزار مادر گرامی اش می رفت. در حدیثی از رسول الله نقل شده است: «احسان به مادر دو برابر احسان پدر است... دعای مادر زودتر به اجابت می رسد، پرسیدند چرا؟ پیامبر فرمودند: زیرا مادر مهربانتر از پدر است».^{۲۱}

از امام سجاد علیه السلام درباره جایگاه مادر سوال پرسیدند، حضرت فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَتَحَمَّلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرِهِ قَلْبُهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَوَقَّتْكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَلَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَتَطْعِمَكَ وَتَعْطِشَ وَتَسْقِيَكَ وَتَعْرِى وَتَكْسُوكَ وَتَضْحَى وَتَضْلِكَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَوَقَّتَكَ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ» امام زین العابدین علیه السلام فرموده است، حق مادرت بر تو این است که بدانی او تو را در جایی که

بقره: ۱۴۳۳

قرائتی، همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

محمدی ری شهری، حسینی، منتخب میزان الحکمه، ص ۵۵۲؛ نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

میر عظیمی، حقوق والدین، ص ۴۲۱.

محمدی ری شهری، حسینی، همان، ص ۵۵۲؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۳، ص ۲۶.

هیچ کس کسی را حمل نمی کند، حمل کرده و از ثمره دلش (مهر) به تو چندان عطا کرده است که هیچ کس به کسی چنان عطا نمی کند و با همه وجود خویش ترا نگهداری کرده است و اهمیت نمی داده که خود گرسنه و تشنه بماند، ولی تو را سیر و سیراب کند و خود برهنه بماند و تو را بپوشاند و خود در آفتاب باشد ولی بر تو سایه افکند و برای تو خواب نوشین را رها کرده و تو را از گرما و سرما حفظ کرده است تا تو برای او باقی بمانی و تو نمی توانی از عهده شکرش بیرون آیی مگر به یاری و توفیق خداوند».^{۲۲}

جایگاه فرزند در اسلام

فرزند از بهترین هدایایی است که خداوند به بندگانش عطا می دارد. فرزند چه دختر باشد و چه پسر نعمت های الهی هستند. حضرت ابراهیم علیه السلام تا وقتی به سن پیری رسیده بود فرزندی نداشت و بخاطر این غمگین بود اما خداوند بشارت فرزندی بدو داد، سپس در آن سن اسماعیل و اسحاق را به حضرت ابراهیم بندهی شایسته اش عطا کرد. انسانی که مومن به حق باشد فرزندان او منب خیر و برکت و کرامت در دنیا و آخرت خواهند بود. حضرت ابراهیم پس از فرزند دارد شدن فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را عطا فرمود (و درخواست مرا اجابت کرد) که پروردگار من البته دعای بندگان را شنواست».^{۲۳} از این آیه می توان پی به جایگاه مهم فرزندان در زندگی برد که حتی ابراهیم در پیری از خداوند فرزندان در خواست کرد. فرزندان که سرسلسله ای انبیاء دیگر شدند.

و حضرت زکریا نیز از خداوند در پیری طلب فرزندی کرد: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» یَرْثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا؛ و من از این وارثان کنونی (که پسر عموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا که پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است، تو از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما* که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما».^{۲۴}

روایتی نیز از امام ششم اسحاق بن عمار بیان کرده است: «شخصی گفت: در داشتن فرزند بی رغبت بودم، تا توفیق وقوف در عرفات نصیبم شد، در کنارم نوجوانی را دیدم دعا می کرد و اشک می ریخت و می گفت: «يَا رَبِّ وَالِدَيَّ وَالِدَيَّ فَرَعْنِي فِي الْوَلَدِ حِينَ سَمِعْتُ ذَلِكَ» خداوند پدر و مادرم، پدر و مادرم، با شنیدن دعای او نسبت به پدر و مادرش شوق پیدا کردن فرزند در من پدید آمد».^{۲۵}

صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، صص ۴۶۰-۴۶۱، فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۶۷؛ حویزی، تفسیر نورالثقلین،^{۲۲}

ج ۳، ص ۱۵۱.

ابراهیم: ۳۹.

مریم: ۵-۶.

حرعاملی، نوری، وسائل الشیعه و مستدرکها، ج ۲۱، ص ۴۵۵.

در اسلام حتی نگاه کردن به فرزندان نیز سفارش شده است، زیرا باعث نشاط و سلامت روانی والدین می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَلَدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقُ نَسَمَةٍ؛ هنگامی که پدری به فرزندش نظر کند و او را شادمان سازد ثواب آزاد کردن یک بنده به پدر عطا شود»^{۲۶}.

نقش مادر در تربیت دینی فرزندان

مادر نقش بسزایی در تربیت جسمی و روحی فرزندان دارد. پس از تولد تنها فردی که شایستگی تربیت و پرورش کودک را دارد مادر می‌باشد. زیرا او با تمام وجودش فرزند را پرورش می‌دهد و عامل انتقال ارزش‌ها به کودک است. او می‌تواند فرزند را با اراده و بزرگواری یا ناتوان و پست، باتقوا و یا بی‌حیا را تربیت کند در همه حال مادر در شخصیت کودک اثرگذار و نقش آفرین است. بر این اصل است که مادر باید خود در مسیر تقوا و ایمان قرار گیرد تا کودک او نیز بمانند او شود. وظیفه خطیر مادر قبل از تولد فرزند با دعا و توکل برای داشتن فرزندی صالح شروع می‌شود. حتی هنگام معاشرت زن و مرد باید نام خدا برده شود تا شیطان مداخله نکند.^{۲۷} زیرا یکی از حساس‌ترین لحظات سرنوشت ساز فرد در زمان انعقاد نطفه می‌باشد که اگر با نام و یاد خدا صورت گیرد چه بسا زندگی کودک در آینده دچار لغزش‌های دینی نمی‌شود.

همچنین یکی دیگر از وظایفی که مادر بر عهده دارد غذایی ست که در هنگام بارداری تناول می‌کند زیرا آثار و پیامدهای جسمانی و روانی بسیاری در پی دارد به گونه‌ای که خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد»^{۲۸}. انسان باید به غذای خود از منظر حلالیت و حرامیت بنگرد^{۲۹} زیرا آثار مهمی در رفتار و کردار آدمی دارد.

همچنین بعد از تولد فرزند نیز باید فضای معنوی در خانه و خانواده حاکم باشد تا از همون بدو تولد فرزند در این فضا قرار گیرد. انتخاب نام نیکو، کام برداشتن با تربت امام حسین، صدقه دادن و عقیقه برای فرزند از جمله کارهای ابتدایی بعد از تولد برای نوزاد است که در اسلام نیز سفارش شده است و این خود باعث بالا بردن معنویات در کودک می‌شود. بعد از بدو تولد مهمترین وظیفه‌ی مادر شروع می‌شود و آن هم شیردادن به کودک است که باید آداب شیردادن را رعایت کند.

وظایف معنوی مادر در تربیت دینی فرزند

از آنجایی که اثرپذیری کودک از اعمال مادر بیشتر از افراد دیگر است لذا مادر باید معنویات را در خود تقویت سازد تا بتواند فرزندی دینی تربیت کند. در اینجا به برخی از این اعمال معنوی اشاره شده است:

مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۰؛ نوری طبرسی، همان، ج ۲، ص ۲۶۲.

دشتی، مسئولیت تربیت، ص ۹۶.

عبس: ۲۴.

قرائتی، تفسیرنور، ج ۱۰، ص ۴۹۸.

آداب شیردادن به نوزاد

شیر مادر یکی از مفیدترین غذاها برای کودک است و مادر نباید بدون علت نوزاد را از این نعمت خدادادی محروم سازد. در قرآن خداوند طول شیر دادن را ۲ سال معین کردند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...؛ و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند...».^{۳۰}

از امام صادق روایت شده است: «الرَّضَاعُ وَاحِدٌ وَ عِشْرُونَ شَهْرًا فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ؛ مدت شیر دادن، بیست و یک ماه است. هر اندازه‌ای که کمتر باشد، بر کودک ستم شده است».^{۳۱}

از مهم‌ترین آداب شیر دادن بردن نام خدا و طهارت و وضو است. زیرا بردن نام خدا باعث برکات هم در مادر و هم در نوزاد می‌شود و وضو علاوه بر روشنایی که در دل آن دو ایجاد می‌کند باعث می‌شود گناهان نیز پوشیده شده و این خود دلیلی برای بالا بردن معنویات در نوزاد می‌شود. به این دلیل امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْوُضَاءِ مِنَ الظُّثُورَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي؛ بر شما باد که دایه زیبا و پاکیزه و سالم برای نوزادتان اختیار کنید زیرا که شیر اثر دارد».^{۳۲}

نماز

نماز مهم‌ترین عبادت اسلامی مسلمانان است به گونه‌ای که پیامبر اکرم فرمودند: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَتْ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَا سِوَاهَا؛ نماز، ستون دین است. اگر قبول شد، دیگر عبادت‌ها نیز پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، عبادت‌های دیگر نیز رد می‌شود».^{۳۳}

خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ؛ پروردگارا، مرا و از ذریه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان، و بار الهی دعا مرا بپذیر».^{۳۴} یا در سوره لقمان خداوند باز هم اهمیت نماز را عنوان می‌دارد: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ...؛ ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار...».^{۳۵}

این آیات و روایات همه از اهمیت خواندن نماز می‌باشد و مادر بعنوان اثرگذارترین فرد با روش الگویی و عملی باید خواندن این فریضه الهی را در کودک تقویت کند چرا که کودک از لحاظ روانی بصورت الگویی تاثیرپذیر می‌باشد و مادر با خواندن نماز اول وقت در جلوی چشمان کودک باعث علاقمندی او به نماز خواهد شد.

بقره: ۴۳۳

آخوندی، الکافی، ج ۶، ص ۴۰.

این بابویه، ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۵، ص ۲۵۱.

حر عاملی، وسائل الشیعه و مستدرکها، ج ۳، ص ۴۲.

ابراهیم: ۴۰.

لقمان: ۹۷.

همراهی کودک در مراسم عزاداری اهل بیت

در عزای اهل بیت مادر به همراه کودک خود شرکت کنند علاوه بر اینکه کودک با فضای معنوی و اجتماعی آشنا خواهد شد آثار تربیتی نیز بر روح و روان کودک می گذارد. با شرکت در مراسمات مذهبی اهل بیت کودک با احکام، معارف دینی و اهل بیت آشنا می شود و در قلب او ماندگار خواهد شد. مادر با آشنا کردن کودک با اهل بیت پیامبر می تواند تربیت دینی را در او استحکام بخشد. حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر با فرزندان به مسجد پیامبر، مزار شهدای احد در بقیع و مزار عموی پیامبر حمزه می رفتند.^{۳۶}

تشویق مادر

از مهمترین روش های تربیتی که کارشناسان نیز آن را درخور کودکان می دانند تشویق است. یکی از راه های استحکام بخشیدن به رفتارهای دینی فرزندان تشویق آنان به انجام عمل نیکو و شایسته است. تشویق در کودک باعث انگیزه او می شود و آن کار خوب را تکرار می کند. تشویق باعث می شود از نظر روحی و روانی کودک استقلال طلب شده و اعتماد به نفس در او قوی می شود.^{۳۷} توجه به اینکه مادر نزدیکتر از دیگر افراد به کودک است بهتر می تواند با تشویق های مفید و خلاقانه خود کودک را از لحاظ فکری، روحی و معنویات به رشد برساند.

کمک به پیدا کردن دوست

از مسائل مهمی که فرزند در دوره نوجوانی با آن روبرو می شود ارتباط با هم سن و سالان خود است. او در این سن علاقه دارد با دوستان خود رفت و آمد کند و این رفت و آمدها باعث انتقال فرهنگ و تفکر در آنان می شود. همچنین نوجوانان در این سن بسیار تحت تاثیر گفتار و رفتار دوستان خود قرار می گیرند به گونه ای که این تاثیرپذیری حتی نقش والدین را بی اثر می کند.^{۳۸}

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «وَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرَهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَاطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ؛ هرگاه وضعیت شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش بنگرید؛ اگر [دوستانش] اهل دین و آیین الهی اند، او نیز پیرو آیین خداست».^{۳۹}

مادر باید رفتار فرزند را کنترل کند تا نگذارد با افراد فاسد و لالایی دوست شود زیرا نوجوان کم تجربه است و دیدش فقط ظاهری می باشد. پی در این امر خطیر و مهم مادر نقش بسزایی دارد.

محدثی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، صص ۱۳۱-۳۲۲.

همان، ص ۲۳۲.

همان، ص ۱۷۵.

مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۹۷.

ارزش دختر در اسلام

خداوند قادر با تصمیم و اراده‌ی خود هر چه را که برای بنده‌اش بخواهد مصلحت در دنیا و آخرت برای بنده است. بنده نیز باید تسلیم حکمت خداوند باشد. خداوند با علم خود به یکی از بندگانش دختر می‌دهد، به یکی پسر، یکی دوقلو و حتی کسی را نیز عقیق می‌کند که همه نشانه رحمت و لطف پروردگار است. «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ؛ تنها خدا راست ملک آسمانها و زمین، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر که خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هر که خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند.»^{۴۰}

در روایات متعددی ارزش فرزندان دختر را بیشتر از پسران می‌دانند، زیرا در اعراب جاهلیت دختران را زنده به گور می‌کردند و این خود دلیلی برای روایات آمده است. دختران عاطفه و محبت بیشتری به والدین خود دارند و این را می‌توان از روایتی که امام صادق به نقل از حضرت ابراهیم فرمودند مشاهده کرد: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ ابْنَةً تَبْكِيهِ وَتَنْدُبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ ابراهیم علیه السلام از پروردگارش خواست که به او دختری عطا فرماید، تا پس از مرگش برای او بگرید و سوگواری کند.»^{۴۱}

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دختران را در مسائل اجتماعی مشارکت می‌دادند مانند مشارکت دادن حضرت زهرا سلام الله علیها در روز مباهله که خود در آن زمانی که اعراب دختران را زنده به گور می‌کردند بسی جای تامل بود. یا زمانی که پیامبر دست دختر خود را آن هم در آن زمان می‌بوسید می‌فرمودند: «فداها ابوها؛ پدرش فدای او باد.»^{۴۲}

از رسول خدا حضرت محمد(ص) نقل شده که فرموده اند: «نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطَّفَاتٌ مُجَهَّزَاتٌ مُؤَمِّنَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِيَّاتٌ؛ دختران چه فرزندان خوبی هستند؛ با لطافت و مهربان، آماده به خدمت رسانی، یار و غمخوار اعضای خانواده، ابا برکت و پاکیزه کننده ادر خانواده برای پدر و مادر.»^{۴۳}

امام صادق علیه السلام در مورد ارزش فرزند دختر می‌فرماید: «الْبَنُونَ نَعِيمٌ وَ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ اللَّهُ يَسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ، وَ يُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ؛ پسران، نعمت اند و دختران خوبی. خداوند، از نعمت‌ها سؤال می‌کند و به خوبی‌ها پاداش می‌دهد.»^{۴۴}

روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام باز هم ارزش و اهمیت فرزند دختر را می‌فرماید: «إِذَا أَصَابَ الرَّجُلَ ابْنَةٌ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا، فَأَمَرَ جَنَاحَهُ عَلَى رَأْسِهَا وَ صَدْرَهَا؛ آن گاه که مردی دارای دختر شود، خدای سبحان فرشته‌ای را به سوی او روانه می‌فرماید و آن فرشته بال خود را بر سر و سینه‌ی آن دختر می‌گستراند.»^{۴۵}

شوری: ۴۹.

مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۹؛ علامه، الوافی، ج ۲۳، ص ۱۲۹۹.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، ج ۳، ص ۴۴۳.

آخوندی، الکافی، ج ۶، ص ۵؛ مجلسی، همان، ص ۹۸؛ علامه، همان، ص ۲۹۷.

کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۷، ح ۱۲؛ علامه، همان، ص ۲۹۸.

مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۴؛ ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، ص ۴۰۲.

اسلام این دین کامل حتی به ریزترین مسائل روانی افراد توجه دارد حتی هدیه دادن از نظر جنسیت را مقرراتی برایش تنظیم کرده است، در روایتی از رسول خدا آمده است: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تَحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاطٍ وَ لَيُبْدَأُ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ أَنْثَى فَكَأَنَّمَا أُعْتِقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعَيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ هر کس به بازار رود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می برد. [و هنگامی که هدیه را به خانه می برد]، باید، قبل از پسران، به دختران بدهد، زیرا کسی که دخترش را شادمان کند، مانند کسی است که یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است. و هر کس [با دادن هدیه ای] چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریسته است و هر کس از ترس خدا بگریزد، خداوند او را داخل نعمت های بهشت کند». ^{۴۷} باز هم ارزش دختران را می توان در این روایت از رسول خدا مشاهده کرد.

در تمامی روایات ذکر شده ارزش و احترامی که دین اسلام نسبت به فرزند دختر داشته مشاهده می شود. همچنین می توان به این نتیجه رسید که حتی با فرزند دختر نیز نسل و نوادگان ادامه دارند همانند نسلی پاک که از حضرت زهرا سلام الله علیها دخت پیامبر ادامه دارد و منتظر منجی و آخرین فرزند از فرزندان پیامبر هستیم.

وظایف مادر در تربیت دینی دختر

همانگونه که قبلاً ذکر شده مادر در تربیت فرزند چه دختر و چه پسر نقش بسزایی دارد. اما در رابطه با تربیت دختر بدلیل تشابهات جنسیتی بیشتر می تواند تاثیرگذار باشد و این اشتراک باعث ظهور بسیاری از نقش های مشترک بین مادر و دختر می شود و این خود دلیلی مناسب برای پروراندن روحیه ی دین باوری در دختر توسط مادر خواهد بود.

پیامبر درباره تربیت دختر می فرماید: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ وَاحِدَةٌ كَانَتْ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ أَلْفِ بَدَنَةٍ وَ أَلْفِ ضِيَافَةٍ؛ هر کس یک دختر داشته باشد، [و آن دختر را برای رضای خدا تربیت کند] آن دختر برای او خوب تر و ارزنده تر است از هزار حج، هزار جهاد، هزار شتر قربانی و هزار مهمانی (برای خدا)». ^{۴۸}

تربیت سالم فرزندان، مخصوصاً دخترها اجر و پاداش فراوانی دارد. پیامبر اکرم می فرمایند: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَادَّبَهَا وَ أَحْسَنَ أَدَبَهَا وَ عَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلَى مَهَا فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا... وَ سِتْرًا مِنَ النَّارِ؛ هر کس دختری داشته باشد و او را ادب آموزد و مؤدب بار آورد؛ دانش بیاموزد و خوب آموزشش دهد؛ و از نعمت هایی که خدا بر خود او تمام فرموده است؛ فراوان در اختیار دخترش گذارد، آن دختر پناه و سپری در برابر آتش جهنم برایش خواهد بود». ^{۴۸}

همانگونه که ذکر شده مادر نقش های تربیتی نسبت به دختر دارد که این نقش ها عبارتند از:

مجلسی، همان، ص ۱۰۳؛ ابن بابویه، همان، ص ۴۰۱.

موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، مستدراک الوسائل، ج ۱۵، ص ۴۱۵.

ری شهری، حسینی، میزان الحکم، ج ۱۰، صص ۷۰۵-۷۰۷.

عفت و حیا در دختران

یکی از شواهد عفت و حیا در دختران، صیانت از حجاب و رعایت برخورد در مقابل نامحرمان است. مادر مومن با الگو قرار دادن خود در زمینه دین داری و عفت به دختر خود نیز کمک می کند. از سوی دیگر رعایت حجاب و عفاف این دو اصل مهم در زندگی بشری باعث می شود تا فرد از آسیب های فردی و اجتماعی دور بماند.

خداوند نیز در قرآن به حجاب زنان اشاره مستقیم کرده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ... وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ؛ و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان... آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد».^{۴۹}

در آیه نیز خداوند به عفاف و حجاب اشاره کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشد بسیار نزدیکتر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است».^{۵۰}

همچنین پیامبر نیز در رعایت عفت و پاک دامنی زنان و دختران می فرمود: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ؛ بهترین زنان شما، زنان عفیف و پاک دامن هستند».^{۵۱} زنان و دختران به علت احساسات عاطفی که دارند نسبت به پسران بیشتر آسیب پذیرتند و اگر عفت و حیا را رعایت نکنند به سرعت جامعه را آلوده می کنند به همین دلیل مادر باید خود یکی از عوامل و مبلغ عفت و حیا باشد و ارزش مهم حیا را در دخترش نیز تقویت کند.

رهبر معظم جمهوری اسلام ایران نیز درباره عفاف زنان و دختران می فرماید: «خودنمایی و جلوه فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه ی عفاف، ملاحظه ی حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختی ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود خانمها خیلی باید مراقبت کنند مسئله ی حجاب را، مسئله ی عفاف را؛ وظیفه ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست».^{۵۲}

نور: ۴۹۱

احزاب: ۵۹

آخوندی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴

خانمهای، اثر مراقبت خانمها از حجاب، در زندگی اخروی و پیشرفت کشور.^{۵۲}

احترام ویژه به دختر

مادر از نظر روحی و روانی بهتر از هر کسی دیگری می تواند احساسات دختر خود را درک کند و ویژگی های اخلاقی و رفتاری او را شناخته و نسبت به آن رفتار محبت آمیزی همراه با احترام از خود بروز می دهد. مادر با احترام به دختر خود شخصیت و رفعت بزرگی به او می دهد و دختر نیز در جواب این عمل مادر وقار و نجابت خود را حفظ می کند. همانگونه که در روایت از رسول خدا آمده است احترام به دختر گذرنامه ی بهشت می باشد: «مَنْ كَانَ لَهُ أَنْثَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَلَمْ يَهْنِهَا، وَلَمْ يُؤْثِرْ وَلَدَهُ عَلَيْهَا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ» هر که دختری داشته باشد و به او ستم نکند، تحقیرش نسازد، و پسرش را بر او ترجیح ندهد، خدا او را وارد بهشت می کند.^{۵۳}

آزار و ستمگری نسبت به دختران، توهین و همچنین خشونت با آنان، پسران را بهتر از دختران دانستن بسیار خطرناک است زیرا با اینکار خصوصا از جانب مادر اعتماد بنفس دختر از دست می رود و او احساس حقارت و کینه ورزی نسبت به مادر، و برادر خود خواهد داشت. در نتیجه احترام به دختر باعث اعتماد بنفس، شجاعت، وقار و... خواهد بود.

آموزش احکام دختران

مادر و دختر بعلت همجنس بودن بهتر می توانند در مسائل مختلف فقهی و احکامی با هم صحبت کنند. مادر از طریق تشویق و ترغیب باید احکام مشترک میان خود و دختر را بدون سختگیری و دوستانه به او آموزش دهد. بسیاری از احکام بانوان را باید قبل از ابتلای به آن به دختران آموزش داد تا در صورت روبه رو شدن از نظر شرعی، روحی و روانی دچار مشکل نشود. دختران ناآگاه در اثر عادت ماهیانه دچار اضطراب، ترس و پریشانی می شوند. در نتیجه مادر با آموزش های به موقع خود به دختر میتواند استرس دوران بلوغ را در او کمتر کند تا بدون آسیب جسمی و روحی از این دوران عبور کند.

آموزش نقش های آینده به دختر

دختر بعنوان همسر و مادر آینده در جامعه حضور پیدا خواهد کرد. به همین دلیل مادر باید او را برای این نقش ها آماده کند. مادر با آموزش به موقع دختر خود بعنوان اثرگذارترین فرد می تواند شیوه زندگی، چگونگی برخورد با دیگران، احترام به همسر و همچنین تربیت مناسب فرزندان را به او آموزش دهد. دخترانی که در زمینه شوهرداری موفق هستند الگوی خوبی مانند مادر خود دارند و برخورد با همسر را از او آموختند. از این رو به مادران سفارش شده که وظایف و مسئولیت های زنانه را به دختران خود آموزش دهند و اخلاق نیکو و رفتار شایسته را در آنان آراسته کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی حقوق دختران این گونه می فرماید: «وَإِنْ كَانَتْ أَنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمُّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ إِسْمَهَا وَ يَعْلَمَهَا سُورَةَ النَّورِ، وَ لَا يَعْلَمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَ لَا يَنْزِلُهَا الْعُرْفَ وَ يُعْجِلَ سِرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا؛ حق دختر بر پدرش این است که مادرش را گرمی دارد، نام شایسته برایش برگزیند، سوره ی نور را بر او بیاموزد و [ریزه کاری های عاطفی و شهوانی] سوره ی یوسف را به او نیاموزد، در اتاق های طبقات بالا [در معرض دید بیگانگان] منزلش ندهد و او را [در موقع مناسب و مشروع] سریع تر به خانه ی شوهرش روانه کند».^{۵۴}

مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ج ۱۵، ص ۴۱۸.

حر عاملی، وسائل الشیعه و مستدرکها، ج ۱۵، ص ۴۹۹.

نتیجه گیری

دین اسلام بیشتر از ادیان دیگر، به زنان و حقوق آن ها توجه داشته است. اسلام، وجود دختر در خانه را مایه رحمت و زیبایی می داند لذا به تعلیم و تربیت دختران همت گماشت و تربیت درست دختران را به عنوان حقی بر عهده والدین خصوصا مادر گذاشته است. از نظر اسلام و شیعه وظیفه مادر نسبت به دختران حساس تر است چون انحراف از قانون فطرت و آیین صحیح و بقای نسل شریف را در معرض خطر قرار می دهد.

اگر مادر نسبت به تربیت درست و دینی دختران دقت نظر داشته باشند معضلات جامعه کمتر شده، همچنین دختران از لحاظ احساسی و عاطفی امنیت بیشتری دارند، در زمان بلوغ نیز اضطراب و صدمات جسمی و روحی در آنان کمتر می شود. مادر با آموزش و دادن مسئولیت های به موقع به دختران به آنان کمک خواهد کرد که در آینده نقش مادری و همسری خود را درست ایفا کنند، در نتیجه مادرانی دلسوز و آگاه برای تربیت فرزندان خود خواهند بود هم چنین همسرانی وظیفه شناس که به حقوق و وظایف دینی خود در قبال شوهران آگاهند و خانواده ای شاد و پر نشاط خواهند داشت. مادر با تربیت دینی دختران نه تنها خانواده هایی سرشار از محبت و شاری خواهیم داشت بلکه جامعه ای سالم با زنان و دختران و مادرانی موظف داریم که مشکلات خانوادگی در آن کمتر خواهد بود. پس می توان نتیجه گرفت تربیت دینی دختران همچون زنجیره ای به خانواده و جامعه سالم منجر خواهد شد.

منابع

*قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

کتاب فارسی

۱. دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سناباد، ۱۳۷۸.
۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۴. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چ یازدهم، ۱۳۸۳.
۵. محدثی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۶. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چ نوزدهم، تهران: صدرا، ۱۳۷۱.
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: ادنا، کتاب راه نو، ۱۳۸۱.
۸. میرعظمی، جعفر، حقوق والدین، قم، کتاب خانه حضرت ابوالفضل، ۱۳۶۹.

کتاب عربی

۹. آخوندی، محمد، الکافی، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
۱۰. ابن بابویه، ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه، سید صدرالدین بلاغی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴.

۱۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (ع)، یوسف بقاعی، ج ۳، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۲.
۱۳. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۶ هـ. ق، «ماده ربو».
۱۴. احمد ابن فارس، معجم مقائیس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ هـ. ق، «ماده رب».
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، نوری، میرزا حسین، وسائل الشیعه و مستدرکها، ج ۲۱، قم: جامعیت مدرسین قم موسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، هاشم رسولی، ج ۳، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۱۷. صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، ج ۲، چ دوم، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳.
۱۸. علامه، ضیاءالدین، الوافی، ج ۲۳، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علی (علیه السلام) العامه، ۱۴۰۶.
۱۹. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، ج ۲، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۵.
۲۰. فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء، محمدرضا عطایی، ج ۳، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، جلد ۲، تهران: موسسه الوفاء، ۱۳۸۲.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، محمد باقر بهبودی، ج ۷۴، تهران: اسلامیه، چ سوم، ۱۳۷۵.
۲۳. محمد الراغب، المفردات فی غرایب القرآن، تحقیق: عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ هـ. ق، «ماده رب».
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، حسینی، سید حمید، منتخب میزان الحکمه، قم: موسسه فرهنگی دارالحديث، چ نهم، ۱۳۹۳.
۲۵. موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، بیروت: موسسه آل البيت (عليهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.
۲۶. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸.

سایت

۲۷. خامنه‌ای، سید علی، اثر مراقبت خانم‌ها از حجاب، در زندگی اخروی و پیشرفت کشور، بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳.